



رابطه مهارت حل مسئله و سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف شهر کرمانشاه

هادی رشیدی‌فرد^۱، دکتر سعیده السادات حسینی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف شهر کرمانشاه بود. روش مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجراء، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه معتادان مرد بود که در سال ۱۳۹۷ جهت ترک اعتیاد به مراکز دولتی یا خصوصی شهر کرمانشاه، مراجعه کرده بودند. از میان آن‌ها به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، تعداد ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های پژوهش توسط پرسشنامه‌های حل مسئله اجتماعی لیندا و البرگ و همکاران (۲۰۰۰) و اطلاعات شخصی سوء مصرف جمع‌آوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. نتایج نشان دادند، بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف رابطه وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بر اساس مهارت حل مسئله، می‌توان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف را پیش‌بینی نمود. نتایج کلی نشان داد، بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف وجود دارد.

واژگان کلیدی: مهارت حل مسئله، سوء مصرف مواد، مردان معتاد، شهر کرمانشاه

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

مقدمه

اعتیاد یا وابستگی و سوء مصرف مواد، به منزله یکی از بزرگترین، مشکلات بهداشتی امروزی در دنیا است که زمینه ساز ایجاد مشکلات بسیاری برای ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (باران اولادی، نویدیان و کاوه فارسانی، ۱۳۹۳). بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های ۵۰ سال گذشته، در پی شناسایی علتهای اصلی اعتیاد برآمدند (بخشی پور و رودسری، ۱۳۸۷). اختلال سوء مصرف مواد جوامع بشری را بیشتر از بسیاری از موارد دیگر، مورد تهدید قرار داده است. اعتیاد به منزله عادت افراد به انجام رفتار و یا مصرف ماده و دارویی است که برای فرد صدمات جبران ناپذیری به همراه داشته و کنترل و عدم مصرف در فرد، سخت تلقی می‌شود. به نوعی که فرد نوعی تنفس اجباری در مصرف ماده، دارو و یا انجام رفتاری آسیب زننده خواهد داشت که لطمehای بسیاری در پی خواهد داشت. اعتیاد، به منزله یکی از مشکلات بزرگ در دنیا تلقی شده است که زمینه‌های از هم پاشی خانواده و حتی، اجتماع را فراهم می‌کند (داودی، مهرابی‌زاده هنرمند و هاشمی، ۱۳۹۶).

در بین عوامل گرایش به مصرف مواد، متغیرهای روانشناختی از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که روانشناسان معتقدند تاثیر عوامل زیستی و اجتماعی نیز باید از دریچه گرایش‌های روانی فرد بگذرد بنابراین عادت سوء مصرف مواد علاوه بر متغیرهای زیستی-اجتماعی، به متغیرهای روانشناختی از جمله نگرش افراد نیز بستگی دارد و تغییر آن می‌تواند از گرایش فرد به مصرف مواد مخدر پیشگیری کند. امروزه علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مشکلات زندگی، فقد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم و اساسی هستند، همین امر، آنها را در مواجهه با مشکلات، آسیب‌پذیر نموده و در معرض انواع اختلالات روانی-اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد (رهبری، باباپور و صبوری مقدم، ۱۳۹۷)، همچنین همانطور که گفته شد، مصرف کنندگان مواد، خصوصیات روانشناختی‌ای دارند که می‌تواند عامل خطرساز مهمی برای آنان باشد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان از نداشتن مهارت‌های زندگی، مانند مهارت حل مسئله، مهارت جرات ورزی، ارتباط صحیح با دیگران، سبک اسنادی و ... نام برد (الیس و راتلیف^۱، ۱۹۹۵). آموزش مهارت‌های زندگی، عوامل سبب شناختی کلیدی را با استفاده از چارچوب مفهومی مشتق شده از نظریه یادگیری اجتماعی و رفتار مشکل هدف قرار می‌دهد (بوتین و گریفین^۲، ۲۰۱۵؛ به نقل از ولاسکو، گریفین، بوتین و سلاتا^۳، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان داده است که برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی موجب پیشگیری از اعتیاد و کاهش گرایش به سوء مصرف مواد و الكل می‌شود (دربتسا و ثئودوراتو^۴، ۲۰۱۷).

¹ Ellis & Ratliff² Botvin & Griffin³ Velasco, Griffin, Botvin & Celata⁴ Dritsas & Theodoratou

یکی از مهارت‌های بنیادین زندگی، مهارت حل مسأله است. مهارت حل مسأله یکی از موارد متعادل سازنده اثر رویدادهای منفی در زندگی افراد است و به منزله کلیه، توانایی، نگرش و مهارت‌ها بوده که افراد را قادر ساخته، بتوانند در برابر مشکلات زندگی، راهکارهای مؤثر و سازنده انتخاب کنند (سیدفاطمی، خوشنامی فومنی، بهبهانی و حسینی، ۱۳۹۲).

مهارت حل مسأله نوعی سپر در برابر اثرات منفی حوادث اضطراب زای زندگی ایجاد کرده و افرادی که واجد این توانایی نباشند، بیشتر در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند. یکی دیگر از مباحث مهمی که به نوعی در ارتباط با حل مسأله است و نقشی اساسی در گرایش فرد به اعتیاد دارد، توانایی تصمیم‌گیری فرد است. تصمیم‌گیری به معنی فرایندی است که زمینه انتخاب بهترین راهکار در میان راهکارهای موجود را فراهم می‌کند (میر کمالی، ۱۳۷۳؛ به نقل از ناصری، ۱۳۹۴).

حال با توجه به پیامدهای مثبتی که مهارت حل مسأله در زندگی افراد دارد و می‌تواند سلامت جسمی و روانی افراد را در برابر سختی و مصیبت‌ها محافظت کند و به منظور ترویج و ارتقاء آن را در بین گروه‌های سوء مصرف مواد بر آنیم رابطه مهارت حل مسأله که یکی از عوامل شکل دهنده شخصیت افراد است بررسی کرده و میزان آن را بسنجهیم در واقع می‌خواهیم به پاسخ این سوال دست یابیم که آیا افرادی که مهارت حل مسأله بالایی دارند در برابر سوء مصرف مواد این هستند؟

روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجراء توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل معتادان مردی بود که در سال ۱۳۹۷ جهت ترک اعتیاد به مراکز دولتی یا خصوصی شهر کرمانشاه مراجعه کردند که تعداد آنها بنا به آمار به دست آمده، است. از میان افراد جامعه تعداد ۱۲۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا، البرگ و همکاران (۲۰۰۰) و پرسشنامه اطلاعات شخصی سوء مصرف بود.

پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا والبرگ و همکاران (۲۰۰۰): این پرسشنامه شامل ۸ سؤال بوده و تک بعدی است. پاسخ دهنده سؤال‌های این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت است. برای بررسی روایی این مقیاس لیندا و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه خود از روش بازآزمایی استفاده نموده و روایی مطلوب ۰/۷۲ گزارش کردند. همچنین برای بررسی پایایی به کمک الگای کرونباخ پایایی ۰/۸۱ گزارش نمودند.

پرسشنامه حل مسئله اجتماعی لیندا والبرگ و همکاران (۲۰۰۰): این مقیاس در بردارنده اطلاعاتی درباره شماره پرونده، سن، میزان تحصیلات، سن ازدواج، شغل، سن شروع مصرف، روش مصرف، نوع ماده مصرفی، دوز متابدون اولیه در شروع درمان، دوز متابدون در حال حاضر و طول مدت درمان نگهدارنده بود.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS 23 در دو بخش توصیفی (میانگین، انحراف معیار، جداول توزیع فراوانی و نمودار) و استنباطی (آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

در این بخش قبل از بررسی فرضیه‌ها نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی و آزمون نرمالیتۀ کلموگروف-اسمیرنوف، مورد بررسی قرار گرفت که نشان از توزیع نرمال متغیرها بود. در ادامه به بررسی فرضیه‌ها پژوهش پرداخته می‌شود.

فرضیه ۱: بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان خود معرف رابطه وجود دارد.
به منظور بررسی وجود رابطه بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در ذیل آورده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد

مهارت حل مسئله	سوء مصرف مواد
همبستگی	-۰/۷۶۴***
p	•/•••
p<0/05*	
P<0/001**	

مطابق با جدول بالا، نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از آن است که در بین ۱۲۰ پاسخگوی مورد مطالعه ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha=0/0000$ برابر با $r=-0/764$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha=0/05$ کمتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، درنتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تائید می‌شود بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مهارت حل مسئله میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف نیز کاهش می‌یابد.

فرضیه ۲: بر اساس مهارت حل مسئله می‌توان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف را پیش‌بینی نمود.

به منظور بررسی پیش‌بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف بر اساس مهارت حل مسئله از رگرسیون استفاده شد که نتایج در ذیل آورده شده است:

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف بر اساس مهارت حل مسئله

(Anova		خلاصه مدل (Model Summery)		
F	R ² تنظیم شده	R ²	R	روش
*۲۱/۴۲	۰/۳۱۴	۰/۳۳۶	۰/۵۸۰	همزمان

با ورود متغیر پیش‌بین به معادله پیش‌بینی، ضریب تبیین ۰/۳۱۴ به دست آمد، که نشان میدهد متغیر حل مسئله، قادر به تبیین ۳۱/۴ درصد واریانس سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف می‌باشد و مهارت حل مسئله به صورت منفی و معنادار قادر به پیش‌بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف بوده است یعنی با افزایش مهارت حل مسئله، میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف کمتر می‌شود.

جدول ۴: ضریب پیش‌بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف

متغیر	ضریب غیراستاندارد β	خطای انحراف استاندارد B	ضریب غیراستاندارد β	سطح معناداری
مهارت حل مسئله	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۴۷۶	۰/۰۰

مطابق با جدول بالا، مهارت حل مسئله در پیش‌بینی سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف ۰/۴۷۶ بوده است، به عبارتی مهارت حل مسئله می‌تواند تا ۴۷/۶ درصد از سوء مصرف مواد در مردان را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه گیری

همانطور که در نتایج تحلیل فرضیه اول به آن اشاره شد، مهارت حل مسئله میزان سوء مصرف مواد در مردان معتاد خودمعرف را کاهش می‌دهد. این نتایج با یافته‌های معصومی مفرد، علیزاده، خامسان (۱۳۹۳)، ریاحی (۱۳۹۲)؛ صابر، موسوی و صالحی (۱۳۹۰)، خانجانی، اسماعیلی و امین‌زاده (۲۰۲۰)، قبادی، کاظم‌نژاد، جعفری و شفیعی‌پور (۲۰۲۰)، حبیبی، نیکبخت، شعبانی و صالح‌مقدم (۲۰۱۶)، تاجیک‌زاده، زارع و عباسی (۲۰۱۶) همخوانی دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت، یکی از عواملی که در شکل گیری اعتیاد می‌تواند مؤثر باشد، ضعف فرد در مهارت‌های حل مسئله است. مهارت حل مسئله یکی از

موارد متعادل سازنده اثر رویدادهای منفی در زندگی افراد است و به منزله کلیه، توانایی، نگرش و مهارت‌ها بوده که افراد را قادر ساخته، بتوانند در برابر مشکلات زندگی، راهکارهای مؤثر و سازنده انتخاب کنند. مهارت حل مسئله نوعی سپر در برابر اثرات منفی حوادث اضطراب زای زندگی ایجاد کرده و افرادی که واجد این توانایی نباشند، بیشتر در معرض خطر سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند. مطالعات بسیاری نیز به نتایجی مشابه دست یافتند از جمله اینکه معصومی مفرد و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به مقایسه کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسئله در نوجوانان با و بدون سوء مصرف مواد مخدر پرداختند. یافته‌های این پژوهش که نشان داد، افراد معتاد در کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسئله ضعیف‌تر از افراد بدون سوء مصرف مواد می‌باشند، می‌تواند در برنامه‌های پیشگیری و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین ریاحی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های تصمیم‌گیری در افراد سوء مصرف‌کننده شیشه و هروئین با افراد عادی در شهر شیراز پرداخت. نتایج نشان داد که از نظر سبک‌های تصمیم‌گیری میان دو گروه شیشه و هروئین تفاوت معناداری دیده نشد؛ اما بین گروه شیشه و هروئین با گروه غیر مصرف‌کننده از نظر سبک تصمیم‌گیری منطقی تفاوت معنا دار وجود دارد. خانجانی و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی اثربخشی مهارت‌های حل مسئله در آموزش گروهی بر پتانسیل اعتیاد سربازان پرداختند. یافته‌ها نشان داد که آموزش حل مسئله در کاهش پتانسیل اعتیاد موثر بوده است و آموزش مهارت‌های حل مسئله به صورت گروهی، ۵۲ درصد از واریانس کل متغیر بالقوه اعتیاد را تشکیل می‌دهد. آموزش مهارت‌های حل مسئله، با افزایش ظرفیت روانشناختی به سربازان کمک می‌کند تا با سازگاری با محیط، تعامل خود به اعتیاد را کاهش دهند. حبیبی و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به اثربخشی مهارت حل مسئله خانواده محور بر میزان عود، خودکارآمدی و عزت نفس در سوء مصرف‌کنندگان مواد پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که مهارت‌های حل مسئله منجر به افزایش عزت نفس و خودکارآمدی فرد شده و همچنین کاهش سوء مصرف مواد شده است.

در بررسی فرضیه دوم، نتایج پژوهش نشان داد که مهارت حل مسئله، سوء مصرف مواد در مردان معتاد خود معرف را پیش‌بینی می‌کند. به عبارتی نتایج این بررسی نشان می‌دهد که هرچه مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری بالاتر باشد، مردان معتاد خودمعروف نیز، سوء مصرف مواد پایین‌تری خواهند داشت. در تبیین نتایج باید گفت، در سال‌های اخیر رویکردهای متفاوتی برای درمان سوء مصرف مواد مورد توجه قرار گرفته است که یکی از مهمترین آن، آموزش مهارت‌های زندگی برای ترک سوء مصرف مواد بوده است. از طریق آموزش مهارت‌های زندگی، فرد می‌تواند ضمن برقراری روابط سالم و دوستانه با همسلان و سایر افراد خود را جمع مطرح کرده و نیاز به احترام را براورده می‌کند. در نتیجه فردی که توانایی در مهارت‌های تصمیم‌گیری به عنوان یکی از مهارت‌های زندگی داشته باشد، بهترین بازخورد رفتارش را می‌بیند و نیازی نیز برای جبران بازخوردهای اشتباه، دست به سوء مصرف مواد بزند (ناصری، ۱۳۹۴).

اگرچه پژوهش محدودیت هایی با خود به همراه داشته است. از جمله نوع ابزار اندازه گیری که محدود به پرسشنامه ها شده و از سایر ابزارها استفاده نشده است و نمونه های شرکت کننده در پژوهش که صرفا تعدادی از معتادان شهر کرمانشاه بوده اند و تعمیم آن به سایر معتادان باید با اختیاط صورت گیرد، در مجموع یافته های حاصل از این پژوهش در راستای سایر تحقیقاتی که در زمینه سوء مصرف مواد مخدر، تایید کننده رابطه منفی و همچنین داشتن نقش پیش بین متغیر مهارت حل مسئله با سوء مصرف مواد بود. این یافته برای دست اندر کاران سلامت روان و مسئول در ارتقاء سطح سلامت جامعه، در مانگران و سازمان های مسئول در زمینه خدمات روانشناسی و مشاوره به معتادان و سازمان های ترک اعتیاد می تواند کمک کننده و راهنمای باشد؛ همچنین برگزاری کارگاه های روان درمانی و آموزش مهارت های حل مسئله (مانند آنچه در پروتکل آموزشی مهارت های زندگی آموزش داده می شود) به افراد دارای سابقه مصرف مواد مخدر در جهت غلبه بر تنש های ناشی از مصرف مواد پیشنهاد می شود.

منابع

- باران اولادی، صادق؛ نویدیان، علی و کاوه فارسانی، ذبیح الله. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اعتیاد پذیری با ویژگی های شخصیت، همنوایی و جنسیت، انشگاه علوم پزشکی شهر کرد، ۲: ۴۲-۳۳.
- بخشی پور رودسری، قاسم. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی، سبک مساله گشایی و نگرش مذهبی با مصرف مواد مخدر در میان زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد کرمانشاه.
- داودی فربا، مهرابی زاده هنرمند مهناز، هاشمی سید اسماعیل. (۱۳۹۶). رابطه علی سبک های والدگری و سبک دلبستگی نایمن با آمادگی به اعتیاد، از طریق میانجی گری ویژگی های شخصیتی و سبک های هویت در دانشجویان. فصلنامه علمی-پژوهشی اعتیاد پژوهی، ۱۱ (۴۲): ۱۴۰-۱۲۵.
- رهبری، نسرین؛ باباپور، جلیل و صبوری مقدم، حسن. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت های حل مسئله و جرات ورزی بر تغییر نگرش نوجوانان دختر نسبت به سوء مصرف مواد، اعتیاد پژوهی، ۱۲ (۴۸): ۱۲-۱۰.
- رياحي، فاطمه. (۱۳۹۲). مقاييسه طرحواره های ناسازگار اوليه و سبک های تصميم گيری در سوء مصرف کنندگان شيشه، هروئين با افراد عادي. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شيراز، پرديس بين الملل.
- سيدافاطمي، نعيمه؛ خوشنوای فومني، فاطمه؛ بهبهاني، نسرин و حسيني، فاطمه. (۱۳۹۲). ارتباط مهارت حل مسئله با مصرف قرص اکستاتیس در نوجوانان، روان پرستاري، ۱: ۱۹-۲۷.
- صابر، فاطمه؛ موسوي، سيدولى الله و صالحی، ايرج. (۱۳۹۰). مقاييسه ویژگی های شخصیتی و سبک های حل مسئله در مردان معتاد و غيرمعتاد، اعتیاد پژوهی، ۵ (۱۹): ۳۹-۵۶.



معصومی‌فرد، طاهره؛ علیزاده، حمید و خامسان، احمد. (۱۳۹۳). مقایسه کارکردهای اجرایی بازداری و حل مسئله در نوجوانان با و

بدون سوء مصرف مواد مخدر، اعتیادپژوهی، ۳۲: ۱۳۷-۱۵۶

ناصری، فرشاد. (۱۳۹۴). خود امتدادی روانی و سلامت روانی. تهران: نسل نوآندیش

Dritsas, I. & Theodoratou, M. (2017). Findings from a Large-Scale Empirical Research on Substance Abuse Prevention in Greece. Global Journal of Addiction & Rehabilitation Medicine, 2(5), 1-9.

Ellis, T. E. & Ratliff, K. G. (1995). Cognitive characteristics of suicidal and nonsuicidal psychiatric inpatients. Cognitive therapy & Research, 10(6), 625- 634

Ghobadi, M., Kazemnezhad Leili, E., Jafari Asl, M., Shafipour, S. Z. (2020). The Relationship Between Social Skills and Attitude Towards Substance Abuse Among High School Students, Journal of holistic nursing and midwifery, 30(3)

Habibi, R., Nikbakht Nasrabadi, A., Shabany Hamedan, M. & Saleh Moqadam, A. (2016). The Effects of Family-Centered Problem-Solving Education on Relapse Rate, Self-Efficacy and Self Esteem Among Substance Abusers, international journal of high risk behaviors, 5(1).

Khanjani S, Asmari Bardezar Y, Mohammad Aminzade D. (2020). The Effectiveness of Group Training Problem-solving Skills on Soldiers' Addiction Potential. J Mil Med, 22 (1) :46-53

Tajikzadeh, F., Zaree, F., Abbasi, F. (2016). The comparison of the problem solving style and abstract thinking between men undergoing methadone maintenance treatment (MMT) and men without addiction, International journal of applied behavioral sciences, 3(3)

Velasco, V., Griffin, K. W., Botvin, G. J., & Celata, C. (2017). Preventing Adolescent Substance Use through an Evidence-Based Program: Effects of the Italian Adaptation of Life Skills Training. Prevention Sciences, 28, 1-12.



The Relationship between problem solving with drug abuse in addicted men in Kermanshah

Abstract

The present study intended to examine the relationship between problem-solving skill and drug abuse among self-introduced male addicts in Kermanshah City. In terms of purpose, this is an applied research and the method of the study is descriptive correlational. The statistical population included all of the male addicts who referred to state and private treatment-centers of Kermanshah City in 2016. Using random convenience sampling, 120 people were chosen as sample. The data was collected via Linda et al. Social Problem-Solving Inventory (2000), and drug abuse personal information. To analyze the data, SPSS software was used. The findings showed that there is a relationship between problem-solving skill and drug abuse among self-introduced male addicts. The findings also showed that drug abuse among self-introduced male addicts can be predicted based on problem-solving skill. The overall results showed that problem-solving skill is related to drug abuse among self-introduced male addicts.

Keywords: Problem-solving skill, Drug abuse, Male addicts, Kermanshah city

